

علامه شعرانی(ره) به هر آنچه غیر علم بود، «نه» گفت

استاد اکبر ثبوت «نخستین ویژه نامه جشنواره علامه شعرانی:»

لطفاً بفرمایید کارهای علمی علامه شعرانی(ره)؛ اعم از تدریس و تحقیق، در تهران به چه صورت بوده است؟ آیا می‌توان ادعا کرد که ایشان در تعلیم و تربیت فرهیختگان حوزه علمیه تهران و دیگر حوزه‌های علمیه، نقش برجسته‌ای داشت؟

استاد شعرایی (شعرانی) (در تمام ایام سال، منهای دو روز، و نیز در بسیاری از شب‌ها، برنامه تدریس داشت. یک‌چند در مدرسه عالی سپهسالار، و سال‌ها در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، و نیز در مدرسه مروی تدریس می‌کرد. اما بیشترین درس‌ها را در خانه خود، در تهران، خیابان بوذرجمهری نو، کوچه صاحب‌الزمان(عج) فعلی، القاء می‌فرمود. در دوره جوانی، در مجالس تبلیغ مرحوم حجت‌الاسلام حاج سید ابوالحسن طالقانی (پدر مرحوم آیت‌الله محمود طالقانی (و مرحوم حاج عباسقلی بازرگان تبریزی) پدر مرحوم مهندس مهدی بازرگان)، مطالب ارزنده‌ای را در باب نبوت و اثبات حقانیت اسلام و پاسخ به شبهات مخالفان مطرح می‌کرد. در سال‌های آخر عمر نیز در یک مجلس سیار که اهل علم و غیر آنان در آن شرکت می‌کردند، تفسیر قرآن می‌گفت و به شبهاتی که مطرح بود، پاسخ‌های قانع‌کننده می‌داد.

جلسات درس او گاه پیش از طلوع آفتاب، آغاز و تا نزدیک اذان ظهر ادامه داشت، و گاهی به شب، پس از نماز مغرب و عشاء ختم می‌شد. خود او به نوشته شادروان ایرج افشار، در ایمان به علم، کم‌نظیر بود و در تدریس، بی‌توقع. به هر کس و در هر زمان، آماده تدریس بود.

استاد شعرایی هم درس فقه و اصول می‌داد و هم درس تفسیر و تجوید و حدیث و رجال و فلسفه و کلام و ریاضی و هیئت قدیم و جدید و موسیقی نظری و طب اسلامی و زبان عبری. در طول ده‌ها سال تدریس در حوزه علمیه و دانشگاه نیز شاگردان مبرزی تربیت کرد و از میان آنان:

*آیت الله میرزا هاشم آملی، از مراجع تقلید متأخر که بیش از دو سال نیز با شعرایی تفاوت سنی نداشت؛

*حاج میرزا علی‌اکبر غفاری که در ارائه متون حدیثی و تفسیری شیعه به صورتی منقح و مصحح، پیشگام بود و به گفته خود، از شعرایی، به موازات علم‌آموزی، «هیچ ندیدنِ «خود را آموخت؛

*آقا شیخ علی اصغر کرباسچیان معروف به علامه، بنیانگذار دبیرستان علوی که با نگارش توضیح المسائل مطابق فتوای آیت الله بروجردی، رساله نویسی را وارد مرحله جدیدی کرد؛

*آیت الله میرزا عبدالرضا کفایی خراسانی، نواده مرحوم آخوند خراسانی و از مدرّسان عالی رتبه حوزه علمیه قم که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از محضر استاد شعرایی، بهره ها برد و به گفته ایشان، آن مرحوم، معقولات را برای انسان محسوس کرد؛

*آیت الله حسن زاده آملی که در محضر استاد شعرایی، بسیاری از متون (از جمله: شرح شاطبیه در قرائت، مجمع البیان طبرسی، رسائل، مکاسب، چند مجلد از جواهر الکلام، عمده کتاب شفا و ...) را درس گرفت؛

*آیت الله جوادی آملی؛

*آیت الله سید رضی شیرازی که اشارات و شفا و هیئت را در محضر مرحوم شعرایی خواند؛

*شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی، از مؤلفان و علمای حوزه مشهد؛

*سید محمد رضا کشفی، از مؤلفان کتب حکمی؛

*سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی، از علمای حوزه قم که شرح اشارات و شرح چغمینی را در محضر استاد شعرایی فراگرفت؛

*احمد سیّاح، از ناشران و کتاب فروشان تهران که خود نیز کتاب های متعدد تألیف کرد؛

*از علمای درگذشته تهران: سید محمد رضا علوی (برادر بزرگ او نیز که قاضی دادگستری بود، از شاگردان استاد شعرایی بود)؛ حاج میرزا علی آقا شاهچراغی، از مدیران ارشد حسینیّه ارشاد که ریاضی و فقه و معقول را از مرحوم شعرایی آموخت؛ حاج میرزا حسن ثقفی؛

*محمد علی ناصح، رئیس انجمن ادبی ایران و از محققان و شاعران؛

* میرخانی، خوشنویس معروف؛

* اکبر داناسرشت، از دانشوران و حکمت‌شناسان نواندیش که می‌گفت: در ریاضی قدیم، استادی به تبحر شعرائی ندیده و خود در محضر او هیئت قوشچی و زیج‌الغَبیک را درس گرفته بود؛

* محمد خواجوی، از مشایخ طریقت و مترجم آثار ابن عربی و قونوی و قیصری و صدرا؛

* سید محمدباقر حجّتی، روحانی و استاد دانشگاه؛

* محمدعلی حکیم شیرازی، از مدرّسان حکمت، و عرفان‌مُشرب که در مدرسه مروی در محضر درس استاد شعرائی حضور می‌یافت؛

* از استادان دانشگاه و محققان نواندیش: دکتر سیدحسن سادات ناصری، دکتر مهدی محقق، دکتر محمد خوانساری، دکتر محسن جهانگیری، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب که به گفته خود، در حوالی سال‌های 1318-1319، در فراگیری قسمتی از امور عامّه شفاء و نیز شرح تجرید و شرح میبدی بر هدایه، از محضر شعرائی استفاده کرد و بعضی از اجزای کتاب نجات ابن‌سینا را از وی آموخت و به ارشاد و هدایت وی، به فلسفه مسیحی اروپایی (تومیسمن نو) علاقه‌مند شد و دوره فلسفه لاهر (Laher) را که به زبان فرانسوی بود، با دقت و علاقه دنبال کرد.

* این بنده کمترین نیز قریب ده سال، به تفاریق، از محضر ایشان بهره‌مند بوده و بسیاری از متون درسی و غیردرسی را در خدمت ایشان یا با راهنمایی‌شان فراگرفتم و در تحصیل علوم عقلی و دینی، بیش از هر کس، خود را وامدار ایشان می‌دانم. پس از درگذشت ایشان نیز که بخشی از یادداشت‌هایم، از افادات استاد شعرائی را به نظر استاد بزرگوار، مرتضی مطهری رساندم، ایشان بسیار تأسّف خوردند که از آغاز اقامت‌شان در تهران تا پایان عمر استاد شعرائی، در طول قریب به بیست سال، به صرافت نیفتادند که از درس آن مرحوم استفاده کنند، و از این بی‌توفیقی خود، بسیار متعجب بودند.

چگونه علامه، تدریس، تعلیم و تحقیق را به صورت هم‌زمان تعقیب می‌کرد؟ آیا کار آموزشی ایشان باعث بازماندن از امر پژوهش نمی‌شد؟

در این مورد نیز که چگونه استاد شعرائی، کار تدریس و تحقیق را هم‌زمان دنبال می‌کرد و هیچ‌یک از این دو، مانع دیگری نمی‌شد، پاسخ این است که عمری را که دیگران به بطالت می‌گذرانند یا برای دستیابی به ثروت و

مقام و ...هزینه می کنند، شعرایی بخشی از آن عمر را به تحقیقات علمی اختصاص داد و بخش دیگر را به تعلیم. در یک کلمه، زندگی خود را وقف علم بما هو علم کرده بود و آن را به پای هیچ چیز قربانی نمی کرد، و چون شیوه های مختلف تحقیق و تألیف را می شناخت و به چند زبان مسلط بود و علیه هیچ رشته ای از معارف و علوم قدیم و جدید، تعصب نداشت و در غالب آن ها استاد بود، لذا هم در مقام معلّمی، موفق بود و هم در عرصه پژوهش و نگارش.

سیطره موضوعات مورد پژوهش علامه شعرانی (ره) تا چه اندازه بود؟ ایشان چگونه موضوعات گوناگون را با دید پژوهشی بررسی می کرد؟

درباره محدوده وسیع موضوعاتی که استاد شعرانی به تحقیق و پژوهش درباره آن ها می پرداخت و نیز علمی که تدریس می کرد، در پاسخ پرسش دوم مختصراً پاسخ دادم.

لطفاً برخی از خصوصیات اخلاقی علامه شعرانی (ره) (در امر پژوهش را برشمارید).

ویژگی های اخلاقی استاد شعرایی در کار تألیف و تحقیق:

1. پرهیز از اطناب و زیاده گویی و اقتصار به حداقل ضروری؛

2. حفظ مرزهای علوم و موضوعات مختلف و مراقبت بر عدم تداخل آن ها در یکدیگر و پرهیز از به کارگیری شیوه تحقیق مخصوص به یک علم در علم دیگر؛

3. حرمت نهادن به تمامی دانشمندان و متفکران با صرف نظر از مذهب و آئین و مشرب ایشان؛

4. مصون ندانستن هیچ عالم و هیچ اثر علمی از نقد؛

5. دید انتقادی نسبت به برنامه های درسی و تألیفی که در حوزه های ما مورد توجه بوده و هست، و در آنها بسیاری از نیازهای واقعی جامعه اسلامی نادیده گرفته شده و بر سر موضوعات و مسائلی کم اهمیت تر، عمرها، نیروها و امکانات فراوان به هدر رفته است؛

6. خردگرایی، خاصه در بحث‌های اعتقادی و پرهیز از راه دادن ذوقیات و استحسانات و سخنان غیربرهانی در این صحنه؛

7. نگاه نقادانه به منقولات و نیز محتویات کتاب‌های حدیث و تفسیر و اهتمام بر تمیز سره و ناسره آن‌ها.

در پایان اگر توصیه‌ای به اساتید و طلاب اهل قلم دارید، بفرمایید.

آنچه استاد شعرایی را به آن مرتبه رسانید، دانش او بود و اهمّی که بر نشر دانش از طریق تدریس و قلم زدن داشت. برای دستیابی به این دانش و توفیق در نشر آن نیز، او به هر آنچه غیر علم بود، «نه» گفت. نه به دنبال مال‌اندوزی بود و نه در پی جاه و مقام. از هدر دادن وقت و نشست و برخاست‌ها و رفت و آمدهای عمر بر باد ده، سخت بر حذر بود و به لسان طنز می‌گفت: «من با تمامی اصحاب مذهب تعطیل، شدیداً مخالفم»؛ و بدین لحاظ در هیچ یک از ایام سال (منهای عاشورا و 28 صفر)، درس ایشان تعطیل نمی‌شد و چون به ایشان گفتند: چگونه است که شما حتی در بیست و یکم رمضان، درس را تعطیل نمی‌کنید؟ پاسخ داد: مگر نه این است که به روایت معتبر شیخ صدوق، در دو شب بیست و یکم و بیست و سوم رمضان که بیش از هر شب دیگری محتمل است شب قدر باشد، مذاکره علمی از هر عبادت دیگری بافضیلت‌تر است (من اَحیی هاتین اللیلین بمذاکره العلم فهو افضل)؛ و مگر جز این است که امیرمؤمنان (ع) حتی در بستر شهادت و تا ساعتی پیش از آن که چشم از جهان فرو بندد، با سخنان گهربار خود مشغول تعلیم خلق بود؛ و یا روایت امام سجاده (ع) (از امام حسین (ع) که خطاب به فرزندش فرمود: «ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصرّاً إلاّ الله») «زنهار بر کسی که در برابر تو جز خدا یاوری ندارد، ستم نکنی».

یک بار دیگر هم گفتند: من به عنوان عضو شورای عالی فرهنگ، به شورا پیشنهاد کردم نیمی از تعطیلاتی را که مربوط به مناسبت‌های مذهبی است، حذف کنند و به جای آن، در هر یک از روزهایی که مصادف با مناسبت‌های مزبور است (مثلاً روز شهادت امام صادق (ع))، یک برنامه دو ساعته برای مؤسسات آموزشی و ادارات و کارخانه‌ها و ... اجراء شود و در خلال آن، به سخنرانی یا مقاله‌خوانی و ... درباره مناسبت آن روز پردازند، تا عموم مردم، شناخت بیشتری از شخصیت‌ها و مناسبت‌های دینی پیدا کنند.

استاد می‌گفتند: من این پیشنهاد را به شورای عالی فرهنگ دادم و بر خلاف انتظارم، معاون وزیر آموزش و پرورش، خانم فرخ‌رو پارسا که پدرش فرخ‌دین، اهل قم و حوزه‌دیده و از طرفداران شیخ نوری بود، از این پیشنهاد حمایت کرد، ولی بعضی دیگر مخالفت کردند و بهانه آوردند که اجرای این پیشنهاد، یک طرح عملی و فراگیر و جامع می‌خواهد. من گفتم: طرحش با من. کسانی هم که با هدف پیشنهاد، یعنی تقویت شناخت مردم نسبت به شخصیت‌ها و مناسبت‌های دینی، مخالف بودند، این جا و آن جا، پشت سر من گفتند: ادامه وضع کنونی (تعطیل و باز هم تعطیل) ضررش کمتر است. استاد می‌گفتند: من همچنان پی‌گیر این پیشنهاد و طرح مربوط به آن هستم؛ چون این همه تعطیلات که هیچ دستوری از جانب پیشوایان دین در مورد آن‌ها نداریم، تنها نتیجه‌اش اتلاف عمر افراد جامعه، از دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و کارمند و ... است و به بطلان گذراندن وقت، و

توجیه عقلی و شرعی ندارد و بعضاً زمینه‌ساز افزایش کارهای خلاف هم هست.

نیز می‌گفتند: درس گفتن و درس گرفتن، عبادت است و ادای امانت است و فریضه، و همان‌طور که روز عید غدیر یا مبعث، نماز و ادای امانت را نباید تعطیل کرد، تعلیم و تعلّم و کارهای غیردرسی را هم اگر به چشم وظیفه الهی و عبادت نگاه کنیم، حکم نماز و ادای امانت را دارد.

از مجموع آنچه به اختصار گفته آمد و می‌توان آن را در صدها صفحه، بسط و تفصیل داد، با شیوه سلوک استاد شعرانی در فعالیت‌های علمی، و به عنوان یک محقق و معلم آشنا می‌شویم، و اگر در پی تربیت افرادی برای نیل به جایگاه بلند او و عرضه آثاری هم سنگ آثار وی هستیم، اسوه قرار دادن او و سرمشق گرفتن از وی، راهی است که ما را به مقصد می‌رساند، و گر نه همه از عظمت گذشتگان گفتن و برای آنان ستایش‌نامه نوشتن و تشکیل ده‌ها سمینار و کنگره و جشنواره و غیره، هیچ حاصلی ندارد و جای خالی ده‌ها عالمی را که پنجاه شصت سال قبل بودند و اینک برای یک‌دهم آن‌ها جانشینی نمی‌توان یافت، با برنامه‌های رسمی و تشریفاتی نمی‌توان پُر کرد. سبحان ربّ العزّه عمّا یصفون.